

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

تفاوت جملات خبریه و انشائیّه

مرحوم آخوند (ره) بعد از بیان فرق میان موضوع له اسم و حرف، تفاوت میان جمله خبریه و جمله انشائیّه را بیان نموده‌اند. در این مسئله در دو مقام بحث می‌شود: الف- فرق میان موضوع له جمله خبریه و موضوع له جمله انشائیّه. ب- فرق میان خبر و انشاء.

هر چند برخی بزرگان ابتدا بحث از فرق میان خبر و انشاء و سپس تفاوت بین جمله خبریه و انشائیّه را ذکر نموده‌اند، ولی ما ابتدا تفاوت میان جملات خبری و جمله انشائی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کلام مرحوم آخوند(ره)

مرحوم آخوند (ره) می‌فرماید: همان‌گونه که اسم و حرف در وضع، موضوع له و مستعمل فیه هیچ تفاوتی نداشتند و تفاوتشان در غرض استعمال کننده بود که اگر غرض استقلالی داشت از اسم و اگر غرض آلی داشت از حرف استفاده می‌کرد، در جملات انشائیّه و خبریه نیز امر چنین است؛ یعنی هیچ تفاوتی میان جملات خبریه و انشائیّه وجود ندارد، اما اگر قصد حکایت داشتیم از جملات خبری و اگر قصد ایجاد امری را داشتیم از جملات انشائیّه استفاده می‌کنیم.

توضیح مطلب این‌که ولو در عبارت ایشان از تعبیر انشاء و خبر استفاده شده‌است اما طبق بیان اکثر محشین کفایةالاصول، مراد حقیقت انشاء و خبر نیست بلکه مراد جملاتی است که هم به صورت خبری و هم به صورت انشائی استعمال می‌شوند؛ مثلاً «بَعْتُ»، «مَلَكْتُ»، «زَوَّجْتُ» و... که گاهی اوقات در خبر استعمال شده و مثلاً می‌گوئیم قبلاً این مال را فروختم. اما گاهی در انشاء نیز استعمال شده و می‌گوئیم «بَعْتُكَ هَذَا بَهَذَا».

در هر دو مورد، ماده یعنی «ب ع ت» و هیئت یعنی اضافه شدن ماده به تاء متکلم وحده، یکی هستند اما تفاوت در این است که «بَعْتُ خبری» برای قصد حکایت از حدث و «بَعْتُ انشائی» برای قصد ایجاد ملکیت به کار رفته‌است. از این رو استعمال «بعت» در انشاء و یا خبر و حتی جملات خبری که در مقام انشاء هستند، طبق مبنای مرحوم آخوند (ره) مجازی نیست.

برای این‌که اگر از جمله خبری قصد حکایت از ثبوت معنا شود خبر و اگر از آن قصد ایجاد داشته باشد، انشاء است؛ مثلاً راوی از امام (علیه السلام) می‌پرسد اگر شخصی بین رکعت اول و دوم در نماز صبح شک نمود آیا باید نماز را اعاده کند یا خیر؟ امام (علیه السلام) به عنوان خبری می‌فرماید «یَعِيدُ الصَّلَاةَ». ولو «یَعِيدُ» خبر است اما به این جهت که در مقام انشاء است قصد ایجاد معنای اعاده را دارد و باید اعاده محقق شود.

راه تشخیص حکایت و ایجاد در این قبیل موارد، قرائن موجود است که استعمال کننده به چه قصدی استعمال می‌کند؟! آیا به قصد حکایت یا به قصد ایجاد است؟! مثلاً در زمان معامله معلوم می‌شود به قصد ایجاد است. اما زمانی که از او در مورد اموالش سوال می‌شود، معلوم می‌شود قصد حکایت دارد.

در مقابل مرحوم آخوند (ره) مشهور می‌گویند: میان خبر و انشاء در موضوع له اختلاف وجود دارد؛ به این بیان که موضوع له خبر، ثبوت نسبت در جملات موجهه یا عدم ثبوت نسبت در جملات سالبه و در عالم خارج است. اما در موضوع له انشاء ایجاد نسبت وجود دارد.

مرحوم آخوند (ره) می‌فرماید: باید حرف مشهور را از دایره موضوع له و مستعمل فیه خارج نموده و در غرض یا داعی بر استعمال وارد نموده و بگوئیم: اگر غرض استعمال کننده حکایت از ثبوت نسبت باشد جمله خبریه و اگر غرض او ایجاد نسبت باشد جمله انشائی خواهد بود.

نکته اول وجه عبارت «ثم إنه لا یبعد» در عبارت مرحوم آخوند (ره) است. ایشان در موضوع له حروف، استحاله مبنای مشهور که آن را جزئی می‌دانستند را اثبات نمود. اما در مانحن فیه به این جهت که جزئیّت در استعمال مطرح نیست، نمی‌تواند بگوید مختار مشهور محال است.

نکته دوم در عبارت مرحوم آخوند (ره) وجود تناقض بین صدر و ذیل است؛ یعنی ایشان از یک طرف می‌فرماید: خبر و انشاء در مستعمل فیه مشترک هستند. اما از طرف دیگر می‌فرماید: «یکون الخبر موضوعاً لیستعمل فی حکایة ثبوت معنا» و از آن چنین برداشت می‌شود که خبر و انشاء در مستعمل فیه اختلاف دارند.^[1]

کلام مرحوم عراقی (ره) در اشکال بر مرحوم آخوند(ره)

مرحوم عراقی (ره) دو اشکال نسبت به کلام مرحوم آخوند (ره) دارد:

اشکال اول: شما قوام انشاء و خبر را قصد متلکم قرار دادید، اما اگر تفاوت میان خبر و انشاء مربوط به غرض استعمال کننده باشد، در جایی که استعمال کننده «بعث» را بگوید و نه قصد حکایت و نه قصد انشاء داشته باشد، باید بگوئید این جمله نه خبر و نه انشاء است؛ در حالی که اُدباء با قطع نظر از قصد استعمال کننده می‌گویند: به این جهت که در این جمله احتمال صدق و کذب وجود دارد، این جمله خبر است.

اشکال دوم: به نظر شما «بعث»، در جایی انشائی است که از آن قصد ایجاد شود؛ در حالی که انشاء مسلماً از امور اختیاری و متوقف بر قصد است و با قصد مجدد لازم می‌آید قصد، مجدداً متعلق قصد قرار بگیرد و این امر بالوجدان باطل است برای این که در باب انشاء دو قصد وجود ندارد.^[2]

بررسی کلام مرحوم عراقی(ره)

ظاهراً این دو اشکال بر مرحوم آخوند (ره) وارد نیست به این جهت که ایشان در مقام نفی نظریه مشهور است و مشهور نیز مسئله قصد را مطرح ننموده‌اند بلکه می‌گویند خبر برای ثبوت و عدم ثبوت نسبت در موطن خود و انشاء برای ایجاد نسبت وضع شده است؛ پس اصلاً مسئله قصد مطرح نیست تا بگوئیم اجتماع دو قصد رخ داده است.

بله مرحوم آخوند (ره) نسبت به انشاء می‌فرماید: «لیستعمل فی قصد ثبوته و تحققه» و در مورد خبر می‌فرماید: «فیکون الخبر موضوعاً لیستعمل فی حکایت» اما کلمه قصد موضوعیت ندارد؛ برای این‌که مرحوم آخوند(ره) قصد دارد بگوید آنچه را که مشهور جزء موضوع له قرار داده‌اند صحیح نیست و خارج از موضوع له و مستعمل فیه است.

از این پاسخ، جواب از اشکال اول نیز روشن می‌شود؛ به این بیان که در کلام مرحوم آخوند (ره) «قصد الحکایة» مطرح نیست تا اگر متکلم در مورد «بعث» هیچ قصدی نداشت بگوئیم این کلمه نه خبر و نه انشاء است؛ برای این‌که مرحوم آخوند(ره) می‌فرماید: اگر در مقام حکایت باشد خبر و اگر در مقام ایجاد باشد انشاء است و اگر قرینه‌ای بر هیچ کدام نبود در واقع که خالی از این دو حالت نیست تا بگوئیم با قصد متکلم معنای انشائی یا خبری بوجود می‌آید.

بله اگر متکلم هاذل باشد این احتمال که نه خبر و نه انشاء باشد وجود دارد که از محل بحث خارج است برای این‌که مسئله روی این صورت است که متکلم از روی اراده در حال تکلم است که در این صورت در واقع خبر یا انشاء است اما به حسب ظاهر نمی‌توانیم حمل بر خبر یا انشاء نمائیم چون قرینه وجود ندارد.

کلام مرحوم اصفهانی (ره) در اشکال بر مرحوم آخوند(ره)

مرحوم محقق اصفهانی (ره) در اشکال به مرحوم آخوند (ره) می‌فرماید: مبنای شما به صورت مطلق صحیح نیست و در برخی موارد دچار اشکال است.

توضیح مطلب این‌که «إضرب» و «اطلب منك الضرب» یک معنا دارند اما یکی در مقام انشاء و دیگری در مقام إخبار است. در این مثال مثال نمی‌توانید بگوئید در ماده و هیئت اشتراک دارند اما اختلاف در غرض استعمال است.

به بیان دیگر در «إضرب» نسبت طلبی بین متکلم و ضرب وجود دارد یعنی متکلم ضرب را از مخاطب طلب می‌کند. اما در «اطلب منك الضرب»، طلب و ضرب از یک‌دیگر جدا و دو طرف قضیه هستند و بین آن‌ها نسبتی برقرار است و نسبت طلبی در این جمله وجود ندارد؛ برای این‌که طلب یک طرف قضیه قرار گرفته است.^[3]

بررسی کلام مرحوم اصفهانی(ره)

در توضیح عبارت مرحوم آخوند (ره) و به تبع اکثر محشین کفایة الاصول بیان شد که محل بحث جملاتی هستند که مشترک بین انشاء و خبر می‌باشند لذا جواب مرحوم اصفهانی (ره) خروج از محل بحث است. بلکه اگر مرحوم آخوند(ره) این مسئله را در فرق بین خبر و انشاء به صورت مطلق بیان نمایند، این اشکال وارد است.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] «ثم لا يبعد أن يكون الاختلاف في الخبر والإنشاء أيضا كذلك فيكون الخبر موضوعا لیستعمل فی حکایة ثبوت معناه في موطنه و الإنشاء لیستعمل فی قصد تحققه و ثبوته و إن اتفقا فيما استعملا فيه فتأمل.» كفاية الأصول (طبع آل البيت)، ص: 12.

[2] «الفرق بين الجملة الخبرية و الانشائية: (تارة) نتكلم فی الفرق بين الانشاء و الاخبار في الجمل المشتركة بينهما مثل قولهم بعث و انت حر (و اخرى) فی الفرق بين الجملة المختصة بالانشاء مثل قم و بين الجملة المختصة بالاخبار مثل قمت (أما الفرق) بينهما في الجمل الاولى (فقد يقال) إن الجملة التي يكون مدلولها الذاتي إيقاع النسبة بين المسند و المسند اليه و تستعمل في كل من الانشاء و الاخبار مثل بعث و انت حر إن قصد بها إيجاد المعنى في الخارج كانت انشاء و إن قصد بها الكشف و الحکایة عن

الواقع كانت خبرا (و فيه أولا) أن ظاهر هذا الكلام هو كون الانشاء متقوما بقصد الابداع و كون الاخبار متقوما بقصد الحكاية و عليه يلزم أن يكون الكلام الذي لم يقصد به أحد الأمرين ليس بانشاء و لا خبر و هو خلاف ما عليه اهل الأدب من انحصار الكلام الذي يصح السكوت عليه في الانشاء و الخبر لهذا يرون كلام الهازل أو الساخر انشاء فيما لو صدر منه بنحو الانشاء و خبرا فيما لو صدر منه بنحو الاخبار مع أنه لم يقصد كل منهما ابداعا و لا حكاية في كل من القولين (و ثانيا) لو كان الانشاء متقوما بقصد الابداع و الاخبار متقوما بقصد الحكاية لزم تعلق القصد بالقصد في مقام الانشاء أو الاخبار لأن الانشاء يكون واسطة في ثبوت المعنى في الخارج فاذا أراد الانسان ابداع البيع مثلا في الخارج توسل لايجاده بالانشاء فيتوجه قصده الى انشائه و بما أن الانشاء الذي هو واسطة في ثبوت البيع في الخارج متقوم بقصد الابداع يلزم تعلق القصد بالقصد المقوم للانشاء و كذا الكلام في الاخبار و هو خلاف الوجدان و البرهان لعدم تحقق أكثر من قصد واحد في مقام الانشاء أو الاخبار وجدانا و لاستحالة تعلق الارادة بمثلها في الاعمال الاختيارية.» بدائع الافكار في الأصول، ص: 63 و 64.

[3] و أما وحدة المستعمل فيه- في الجمل الخبرية و الانشائية- ففيه تفصيل: أما الجمل المتحدة لفظا و هيئة- نحو (بعث) الاخباري و الانشائي- فالمستعمل فيه نفس نسبة إبداع المضمون إلى المتكلم. و هذه النسبة الإبداعية الواقعة بين المضمون- أعني المادة- و المتكلم قد يقصد الحكاية عنها، و قد لا يقصد الحكاية عنها، بل يقصد ثبوتها على نحو سيأتي الكلام فيه إن شاء الله. و أما مثل صيغة (افعل)، و اشباهها- مما لا اشتراك له لفظا و هيئة مع جملة خبرية- فالمستعمل فيه في كل من الخبر و الانشاء، غير المستعمل فيه الآخر، و ذلك لأن صيغة (اضرب)- مثلا- مفادها بعث المخاطب نحو الضرب، لكن لا بما هو بعث ملحوظ بذاته، بل بما هو نسبة بين المتكلم و المخاطب و المادة، فكما أن الشخص إذا حرك غيره خارجا- نحو القيام أو القعود- تحريكا خارجيا، لا يكون الملحوظ- في حال تحريكه- إلا المادة من المخاطب، و نفس تحريكه غير ملحوظ و لا مقصود بالذات، فكذلك صيغة (افعل) موضوعة بإزاء هذا البعث الغير الملحوظ استقلالاً، و لذا مثل هذه النسبة لا خارج لها يطابقها أو لا يطابقها، بل حالها حال التحريك الخارجي الذي هو فعل من الأفعال، و كونه نسبة بين الاطراف بملاحظة عدم لحاظ نفسه، كما أسمعناك سابقا من أن بعض المعاني الاسمية ربما يكون كالآلة لتعرف حال غيره، فيكون كالمعنى الحرفي. و أما في الجملة الخبرية المتضمنة لمضمون البعث و التحريك- كقولك: (أبعثك نحو الضرب، أو أحركك نحوه) إذا اريد الإخبار- فمن الواضح أن مضمون الهيئة ليس نفس البعث حتى يقال: إن البعث معنى واحد، و التفاوت باللحاظ الغير المقوم للمستعمل فيه، بل مضمون الهيئة- كما هو واضح- نسبة البعث إلى المتكلم نسبة صدورية، و كم فرق بين نسبة البعث و البعث الواقع نسبة، فتدبره، فإنه دقيق، و به حقيق.» نهاية الدراية في شرح الكفاية، ج1، ص: 62 و 63.